

An Analysis of the Principle of Justice in Teachers' Professional Ethics and Its Application in Practical Circumstances

Ali Asadi

Ph.D., Department of Quranic and Hadith Sciences, University of Qom, Qom, Iran.
asdy23546@gmail.com

Abstract

The purpose of the present research is to analyze the principle of justice in teachers' professional ethics and its application in practical circumstances. The research method is descriptive-analytic. After studying the concept of justice, the study has dealt with the conceptual components such as aspects and levels of justice. Then, it has analyzed this concept within the most important practical circumstances of the teaching profession as well as intrapersonal and interpersonal relations at school. The research results indicate the significance of justice as the most wide-spread moral principle in teaching professional contexts and approves its role in a wide range of circumstances including inside and outside classroom as well as different relations (teacher relation with him/herself, students, colleagues, and also organizational justice in a more wide-spread range). Accordingly, identification of different aspects and levels of justice and awareness of the contexts in which educational justice should take place have an effective role in the betterment of intrapersonal and interpersonal relations at school and pave the way for creating effective teachers, effective teaching, and effective school.

Keywords: Teaching Profession, Educational Justice, Professional Ethics, School, Students.

Received: 2023/06/31; **Received in revised form:** 2023/07/21; **Accepted:** 2023/07/26; **Published online:** 2023/07/27

How To Cite: Asadi, A. (2023). An Analysis of the Principle of Justice in Teachers' Professional Ethics and Its Application in Practical Circumstances. *Research Quarterly of Islamic Education and Training*, 4(3), 91-104.

<https://doi.org/10.22034/riet.2023.15069.1205>

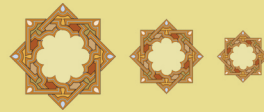
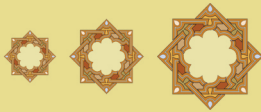
Publisher: Farhangian university

© the authors

<http://tarbiatmaaref.cfu.ac.ir/>

Article type: Research





تحلیل اصل عدالت در اخلاق حرفه‌ای معلم و کاربست آن در موقعیت‌های کاربردی

علی اسعدی

دکتری، گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه قم، قم، ایران. asdy23546@gmail.com

چکیده

هدف پژوهش حاضر تحلیل اصل عدالت در اخلاق حرفه‌ای معلم و کاربست آن در موقعیت‌های کاربردی است. روش پژوهش توصیفی-تحلیلی بوده، بعد از مفهوم‌شناسی عدالت، به تبیین مؤلفه‌های مفهومی آن مانند ابعاد و سطوح عدالت پرداخته است. سپس این مفهوم را در بستر مهم‌ترین موقعیت‌های کاربردی حرفه معلمی و روابط گوناگون درون‌فردی و میان‌فردی مدرسه تحلیل کرده است. یافته‌های این پژوهش اهمیت آن را به عنوان فراگیرترین اصل اخلاقی در موقعیت‌های حرفه‌ای معلمی نشان می‌دهد و نقش‌آفرینی آن را در سطح گسترده‌ای از موقعیت‌ها، اعم از موقعیت‌های درون‌کلاسی و برون‌کلاسی و در روابط گوناگون: معلم با خود، معلم با دانش‌آموزان، معلم با همکاران، معلم با والدین و همچنین در حوزه وسیع‌تر عدالت سازمانی اثبات می‌کند. بر این اساس، شناخت ابعاد و سطوح مختلف عدالت و آگاهی از موقعیت‌هایی که عدالت آموزشی و تربیتی باید در آن جریان یابد، نقش موثری در بهبود روابط درون‌فردی و میان‌فردی در مدرسه داشته و بستر ساز شکل‌گیری معلم اثربخش، تدریس اثربخش و مدرسه اثربخش خواهد بود.

کلیدواژه‌ها: حرفه معلمی، عدالت آموزشی، اخلاق حرفه‌ای، مدرسه، دانش‌آموزان.



۱. مقدمه

یکی از اصول اخلاق حرفه‌ای معلم، «عدالت» است. عدالت، نه تنها از اصول بنیادین اخلاقی در عرصه‌های مختلف زندگی فردی و اجتماعی انسان است؛ بلکه فراتر از آن، از اوصاف مهم الهی و نقش‌آفرین در دوام و قوام عالم هستی نیز است؛ چنانکه پیامبر اکرم (ص) فرمودند: «بالعدل قامت السماوات و الارض»، «آسمان و زمین بر پایه عدل استوار است» (ابن ابی جمهور، ۱۴۰۳ق، ج ۴، ص ۱۰۳). عدالت گستری، از اهداف مهم حرکت انبیای الهی است که بدون آن جامعه قوام نمی‌گیرد و ظلم و استبداد، بنیان و شالوده آن را به ویرانی می‌کشاند؛ چنانکه امام علی (ع)، جامعه‌ای را که بر اساس عدالت اداره می‌شود، جامعه‌ای استوار و ارزشمند می‌داند و در مقابل، جامعه‌ای را که در مسیر عدالت اداره نشود، جامعه‌ای معرفی می‌کند که ارزش‌ها در آن واژگون و ضد ارزش‌ها حاکم می‌گردد (نهج البلاغه، خطبه، ۲).

بی‌تردید در هر حرکت اصلاحی و در هر تحول فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، توجه به عدالت فراگیر، باید اصل و مبنای حرکت قرار گیرد؛ در غیر این صورت محکوم به شکست است. عدالت در عرصه‌های مختلف اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، تربیتی و... قابل پیگیری است. براساس آیات قرآن، حوزه‌های عدالت متعدّدند و شامل میان فردی (نساء، ۳)، امت (حجرات، ۹) و جامعه انسانی (نساء، ۸) می‌گردد. یکی از این حوزه‌ها، عدالت آموزشی است که در تحول و رشد آموزشی و فرهنگی یک جامعه بسیار اهمیت دارد. آموزش و پرورش به عنوان نهاد تحول‌ساز فرهنگی، می‌تواند با تربیت فراگیران عدالت‌جو و عدالت‌محور، این فضیلت مهم اخلاقی را در جامعه توسعه دهد و بسترساز قوام و دوام رشد جامعه اسلامی شود.

بحث عدالت آموزشی طیف وسیعی از مباحث نظری و کاربردی، اعم از مفاهیم و تعاریف، مبانی و پیش فرض‌ها، ابعاد و سطوح، رویکردها و مدل‌ها و... را شامل می‌شود. با توجه به اهمیت این مبحث، تاکنون پژوهش‌های گوناگونی در ابعاد مختلف عدالت آموزشی صورت گرفته است؛ به عنوان نمونه می‌توان به مقالات «طراحی مدل عدالت آموزشی جهت نظام آموزش و پرورش رسمی و عمومی و اعتبار یابی آن»، (اسلامی هرنیدی و همکاران، ۱۳۹۷)، «ارائه مدل عدالت آموزشی در سازمان آموزش و پرورش، پژوهش‌های جدید در مدیریت و حسابداری» (محمدمدی و حسینی صدر، ۱۳۹۸)، «عدالت آموزشی در نظام آموزشی» (مرادی و امینی، ۱۴۰۱) اشاره کرد. اما آنچه این پژوهش به طور خاص ناظر بر آن است و جای آن در مطالعات و پژوهش‌های تعلیم و تربیت بسیار خالی بود؛ نگاه به عدالت آموزشی از منظر کاربردی و ناظر به اخلاق حرفه‌ای معلم و موقعیت‌های کاربردی رفتار و عمل معلم در روابط

گونگون درون فردی و میان فردی کلاس و مدرسه است؛ اینکه دقیقاً عدالت معلم در موقعیت‌های مختلف کلاس درس و مدرسه چه جایگاهی دارد و چه واکنش‌ها و رفتارهایی شایسته و مورد انتظار است.

۲. مفهوم‌شناسی عدالت

عدالت از «عدل» گرفته شده است و عدل را «قرار دادن هر چیز در جایگاه خویش» (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۱۱۷۶) و «عدالت» را «اعطاء کل ذی حق حقه؛ دادن حق به حق‌دار» دانسته‌اند (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۲۷۱)؛ که هر دو در جوهر معنا به یک حقیقت بازمی‌گردند.

عدل چه بود، وضع اندر موضعش / ظلم چه بود، وضع در ناموضعش

عدل چه بود، آب ده اشجار را / ظلم چه بود، آب دادن خار را

(مولوی، ۱۳۷۷، دفتر ششم، ۱۰۳۳)

«اعتدال» نیز هم خانواده عدالت است و از شئون آن و به معنای «حرکت در مسیر عدل؛ بدون افراط و تفریط» است. اعتدال یک کنترل درونی و ملهم از عقل سلیم است؛ حال آنکه «جاهل» برهم زنده تعادل از طریق «تندروری یا کندروی» است. از این رو امام علی (ع) می‌فرمایند: «لاتری الجاهل الا مفرطاً او مفرطاً؛ جاهل را نمی‌بینی، مگر اینکه یا افراط می‌کند یا تفریط» (حکمت، ۶۷).

اگر عدل را دادن حق هر صاحب حقی به او بدانیم، طبعاً، افراط و تفریط و عدم اعتدال، خارج کردن یک حق از صاحب حق خواهد بود؛ چنانکه در حوزه درون فردی، اگر کسی حق جسم را ادا نکند و بیش از حد به روح پردازد؛ یا بالعکس، عدالت درون فردی را مراعات نکرده و از اعتدال خارج شده است. بر این اساس، عدالت، هم در حوزه روابط میان فردی معنا پیدا می‌کند و هم در روابط درون فردی؛ یعنی اعتدال فرد در ارتباط بین ابعاد مختلف وجودی خویش و پرهیز از افراط و تفریط در پرداختن بیش از حد نیاز به بخشی از این ابعاد و غفلت از ابعاد دیگر.

۳. ابعاد عدالت در حرفه معلمی

انسان به طور فطری، تشنه عدالت بوده از ظلم، تبعیض و بی‌عدالتی بیزار است. قطعاً انتظار از عدالت در فضای فرهنگی و فرهیختگی؛ مانند کلاس و مدرسه، بیشتر از هر مکان دیگری متوقع است؛ از این رو مراعات آن، توجه و حساسیت ویژه‌ای را می‌طلبد.

معلم عادل و مدرسه عدالت‌محور، جامعه عدالت‌پیشه‌ای را خواهد ساخت که رابحه دل‌انگیز آن، فضای جامعه و ارکان آن را معطر به برکات و فضایی هم‌چون، انصاف، امیدواری، آرامش، اعتماد، احترام، آبادانی، انس و الفت، هم‌گرایی، ارزش‌محوری، حق‌مداری، درستکاری، عزتمندی، صداقت، یک‌رنگی

و ... می‌کند و بالعکس، تبعیض و بی‌عدالتی، سرچشمه ناهنجاری‌های فردی و اجتماعی بسیاری می‌گردد.

در بحث از عدالت در محیط آموزشی، اعم از کلاس، مدرسه و... توجه به سه بعد از عدالت؛ یعنی «عدالت توزیعی»، «عدالت رویه‌ای» و «عدالت رفتاری» اهمیت دارد.

۱) **عدالت توزیعی:** مدرسه (و معلم) باید در توزیع فرصت‌های یادگیری، امکانات و ابزارهای کمک آموزشی، توزیع زمان و... عدالت را رعایت کند.

۲) **عدالت رویه‌ای:** شیوه‌ها و رویه‌های رایج در مدرسه (و کلاس) باید به نحو عادلانه باشد.

۳) **عدالت رفتاری:** مهم‌ترین بُعد عدالت، رفتار عادلانه است. هرگونه نور چشم پروری در کلاس آسیب‌زا است. مدرسه باید اهتمام جدی به رفتار درخور و عادلانه با دانش‌آموزان داشته باشد (قراملکی و همکاران، ۱۳۹۷، ص ۱۸۴).

۳-۱. سطوح عدالت آموزشی

اصل اخلاقی عدالت در حرفه معلمی، در سه ساحت مورد تأکید و توجه است: ۱. عدالت فردی معلم. ۲. عدالت معلم در کلاس و مدرسه ۳. عدالت در سازمان آموزشی.

۳-۱-۱. عدالت فردی معلم

عدل، خاستگاه اصلی بسیاری از فضایل اخلاقی و تربیتی و محور مهم خودسازی است. از سوی دیگر، رفتارهای بیرونی انسان بازتابی از درون اوست؛ از این رو، رعایت عدالت و تعادل در رفتارها آنگاه تحقق می‌یابد که نخست، تعادل درونی پدیدار گردد و گرایش‌های افراطی و تفریطی درونی، اعتدال یافته باشد، تا بازده وجود آدمی معتدلانه گردد و از زیاده‌روی‌های زیانبار و کم‌انگاری‌های تباه‌گر دوری کند. اعتدال در خوردن و خوابیدن، اعتدال در گفتار، اعتدال در عبادت و تحصیل و کار، اعتدال در خشم و خشنودی، اعتدال در دوستی و مهرورزی، اعتدال در شوخی و جدیت، اعتدال در تنهایی و جمع‌گرایی، اعتدال در لذت‌جویی و کامروایی، اعتدال در بیم و امید، اعتدال در حوادث و نوسانات زندگی و... از جمله محورهای مرتبط با اعتدال درونی انسانی است که باعث می‌شود، انسان رشد یافته‌ای پدید آید که بتواند الگوی مناسبی در رفتارهای اجتماعی، از جمله در کلاس و مدرسه باشد (حکیمی و حکیمی، ۱۳۸۹، ج ۷، ص ۴۴۵-۵۰۵). علاوه بر رعایت اعتدال درونی، معلم باید بین «ضرورت‌های حرفه‌ای» و «نیازهای انسانی و شخصی» خود، مانند نیاز به تفریح و سرگرمی، دوستی، ازدواج و نظایر این‌ها توازن برقرار کند (وجدانی، ۱۴۰۰، ص ۱۷۸-۱۸۰) و پرداختن افراط‌گونه به یکی، مانع توجه به دیگری نگردد.

پس گام نخست در مدیریت اخلاقی کلاس و مدرسه، مدیریت بر خود است. به راستی، چگونه می‌توان دعوت‌گر دانش‌آموزان به رفتارهای اخلاقی بود، بی‌آنکه خود از آن بی‌بهره باشیم؟ چگونه می‌توان، رفتارهای اخلاقی را فریاد زد؛ ولی سکوت سهمگینی بر رفتار اخلاقی ما حاکم باشد؟

۳-۱-۲. عدالت معلم در کلاس و مدرسه

کارکردها یا نقش‌هایی که معلم بر عهده دارد، او را به الگوی برجسته‌ای تبدیل کرده است. از یک‌سو، تدریس علوم و دانش‌های گوناگون را برعهده دارد و از سوی دیگر، عهده‌دار جامعه‌پذیر کردن دانش‌آموزان است؛ از سویی آموزش می‌دهد و از سوی دیگر، پرورش روح انسان‌ها را بر عهده می‌گیرد. او هم مدرس و هم مربی است و کارش تربیت متربی است؛ به طوری که هم گفتارش اثربخش می‌گردد و هم رفتارش الگو قرار می‌گیرد. تصویری که او از ارزش‌ها از جمله عدالت به دانش‌آموزان می‌دهد، همچون نقش روی سنگ، عمیق و ماندگار می‌شود (بارزلو، ۱۳۹۹). از منظری دیگر، دانش‌آموز علاوه بر نیازهای آموزشی، نیازهای تربیتی، روحی و عاطفی هم دارد که عدم عدالت آموزشی، به هر بعد از این نیازها ضربه می‌زند.

دو روایت نوشته در این‌باره می‌تواند عمق این احساس را جلوه باشد:

۱. کلاس دوم دبستان بودم. کلاسمان ۳۰ نفره بود. مسعود هم‌کلاسی ما بود. پدرش ناظم مدرسه‌مان بود و گاهی به جای معلممان ما را آموزش می‌داد! در روز اول به ترتیب قد در کلاس می‌نشستیم؛ اما مسعود با آنکه کمی بلندقدتر از من بود و باید در ردیف سوم یا چهارم می‌نشست، میز اول می‌نشست. همیشه درس‌های آسان‌تر اول از او پرسیده می‌شد و نمراتش ۲۰ بود. اگر در امتحانی نمره ۱۹/۵ می‌گرفت، آنقدر گریه می‌کرد تا به او ۲۰ بدهند. خاطره این معلم، بدترین خاطره دوران تحصیل من است.

۲. سعید در زمینه «سردی در احوال‌پرسی» در مقابل «روابط صمیمی» می‌گوید: «من به آقا معلم سلام می‌کنم و او فقط سرش را تکان می‌دهد؛ ولی با دوستم هم دست می‌دهد و هم می‌خندد». خودش اضافه می‌کند: «احساس می‌کنم آدم جذابی نیستم» (ولی‌نژاد، ۱۳۹۷، ص ۲۹-۳۴).

این دو داستان نشان می‌دهد که عدالت معلم در موقعیت‌های مختلفی در کلاس و مدرسه جلوه‌گر می‌شود؛ در ادامه نیز به موقعیت‌های دیگر اشاره خواهد شد.

۳-۱-۲-۱. عدالت در تدریس و ارزشیابی

- عدالت در کمیت توضیح مطالب: اینکه معلم برخی مطالب را بی جهت طول و تفصیل دهد و برخی مطالب را گذرا عبور کند؛ یا اینکه به دلیل عدم زمان‌بندی مناسب، چند جلسه، آهسته تدریس کند و بعد از آن، به تدریس خود سرعت بخشد.

- عدالت در کیفیت تدریس: اینکه معلم در مدارس برخوردار، مانند مدارس غیرانتفاعی با کیفیت

بهتری تدریس کند و در مدارس دیگر، افت کیفیت داشته باشد، اخلاقی و عادلانه نیست.

- **عدالت در سطح تدریس:** دانش‌آموزان در کلاس‌ها، رشته‌ها و مناطق مختلف، سطح یادگیری متفاوتی دارند؛ توجه به این نکته و تنظیم سطح تدریس، نشان‌دهنده عدالت معلم است. بر این اساس لازم است؛ مقدار توضیح، سطح توضیح نوع مثال‌ها، مقدار تمرین‌ها و سطح آن با سطح یادگیری دانش‌آموزان مناسب‌سازی شود.

- **عدالت در روش تدریس:** عدالت یعنی، هر چیز به جای خویش نیکو است؛ پس روش تدریس معلم آنگاه عادلانه است که با محتوای هر درس منطبق باشد. بر این اساس، کلاس‌هایی که بر محور سخنرانی معلم می‌چرخد؛ یا با کنفرانس‌های دانش‌آموزی اداره می‌گردد، روند عادلانه‌ای ندارد. همچنین معلم باید در استفاده از ابزارهای آموزشی، رعایت توازن و عدالت را داشته باشد. تمرکز بر یک ابزار آموزشی مثل پرژکتور و عدم استفاده از دیگر ابزارهای موجود، باعث افت کیفیت آموزشی می‌شود.

- **عدالت در مواجهه با سؤالات دانش‌آموزان:** به حکم عدالت توزیعی، همه شاگردان باید فرصت عادلانه‌ای را در بیان سؤالات داشته باشند. تبعیض‌آمیز است که به برخی از دانش‌آموزان همیشه فرصت سؤال بدهیم و برخی دیگر را از چنین فرصتی محروم کنیم؛ همچنین عدالت در رعایت نوبت شاگردان مورد تأکید است.

دانش‌آموزان سطوح شناختی متفاوتی دارند و طبعاً سؤالات متفاوتی می‌پرسند. معلم عادل، از برخورد غیر عادلانه با سؤالات خودداری می‌کند و برای همه سؤالات و سؤال‌کنندگان ارزش و اهمیت قائل است. مواجهه همسان با دانش‌آموزان پرسشگر، «عدالت رویه‌ای» است. برخورد خوش‌روییانه با یک سؤال‌کننده و مواجهه ترش‌روییانه با سؤال‌کننده دیگر، تبعیض در رویه است. اصل در مواجهه با سؤال، هدایت همسان دانش‌آموزان به پرسشگری است که نیازمند «عدالت توزیعی در فرصت‌ها» و «عدالت رویه‌ای در برخوردها» است. کم‌تر رفتاری مانند تبعیض، شکننده است. احساس تبعیض، علامت ارتباط ناسالم است و اگر رفع نشود به مثابه خاطره‌ای دردناک در ذهن دانش‌آموز ماندگار می‌شود (قراملکی و همکاران، ۱۳۹۷، ص ۱۳۳). البته عدالت به معنای برابری نیست؛ طبعاً ممکن است سؤالات مهم‌تر زمان پاسخگویی بیشتری را طلب کند که این عین عدالت است؛ حتی ممکن است که معلم، سؤالات بنیادین‌تر را مورد تشویق بیشتری قرار دهد؛ ولی در هر حال، مواجهه معلم باید به گونه‌ای باشد که سؤال‌کننده احساس تبعیض نکند، از سؤال خویش احساس سرافکنندگی نکند و بالعکس، به سوی پرسش‌های جدی‌تر تشویق شود و از سؤال خویش احساس عزت و ارزشمندی نماید.

- **عدالت در ارزشیابی:** اینکه سطح سادگی و دشواری سؤالات معتدل باشد؛ نه چندان سخت که هدف

از ارزشیابی فراموش گردد و نه چندان ساده، که حقیقت آن مخدوش گردد. عدالت در توجه به تفاوت‌های فردی یک کلاس و ارزشیابی متناسب با این تفاوت‌ها نیز مرتبط با همین محور است. همچنین سطح سؤال متناسب با سطح مدرسه طراحی گردد؛ نه اینکه به خاطر بی حالی معلم در طرح انواع سؤالات، برای کلاس‌ها و مدارسی با سطوح مختلف یک نمونه سؤال طراحی گردد.

- اطلاع‌رسانی شفاف در مورد ارزشیابی و کم و کیف آن، استفاده معلم از روش‌های ارزشیابی معتبر و متنوع، تناسب آزمون با مطالب تدریس شده و نه فراتر رفتن از آن، پرهیز از سوگیری و اعمال نظر شخصی و دخالت دادن عواطف در نمره دادن، مقابله با بی صداقتی تحصیلی (تقلب) که موجب بروز بی عدالتی می‌گردد و... از جمله دیگر موارد عدالت در موقعیت ارزشیابی است.

۳-۱-۲-۲. عدالت در مدیریت کلاس و روابط آن

در یک جلسه کلاسی، کنش‌ها و واکنش‌های بسیاری بین معلم و شاگرد به وجود می‌آید. برآیند کلاس و احساس نهایی دانش‌آموز از سرجمع این کنش‌ها و واکنش‌ها، باید احساس رضایت از عملکرد اخلاقی و عادلانه معلم باشد. موفقیت معلم در ایجاد این رضایت نهایی، در گروی علل بسیاری از جمله توجه مستمر به تقویت اعتدال درونی و شخصیتی، شناخت و توسعه و تقویت دانش و مهارت‌های اخلاق حرفه‌ای، تقویت هوش هیجانی، برنامه‌ریزی پیشین، مراقبه در حین عمل و ارزیابی پسین، شناخت و کاربست مهارت‌های ارتباطی، تجربه نوردی و بهره‌گیری از تجارب همکاران و پیشکسوتان و... است.

در ادامه، برخی از موقعیت‌های کاربردی عدالت در «مدیریت کلاس درس» و روابط آن ذکر می‌شود:

- **عدالت در بازخورد به رفتارهای شاگردان:** اساساً بی تفاوت نبودن معلم به رفتارهای کلاسی، اعم از رفتارهای مثبت و منفی و مدیریت هوشمندانه و عادلانه آن، نشانه حرفه‌گرایی معلم است و عادلانه بودن این بازخوردها، جنبه اخلاقی این حرفه را تأمین می‌کند. معلمی که به تکالیف، فعالیت‌ها، رفتارهای انضباطی خوب و بد، هیجانات مثبت و منفی دانش‌آموزان نسبت به کلاس، درس، شخص معلم و... بازخورد شایسته و عادلانه‌ای نمی‌دهد، جدایی برای دانش‌آموزان ندارد. این مسئله باعث چالش‌های فراگیر هم در کنترل کلاس و هم در سطح کیفیت یادگیری دانش‌آموزان می‌شود. پژوهش‌هایی در رابطه با نقش بازخورد در بهبود فعالیت‌های آموزشی و تربیتی انجام شده است که بر این حقیقت تأکید می‌کند (یوسف‌وند، و همکاران، ۱۳۹۳، ص ۴۹-۷۲).

- **عدالت در انتظارات آموزشی و انضباطی:** جدیت معلم در کلاس و اقتدار او، از توصیه‌های مورد تأکید در مدیریت کلاس و اخلاق حرفه‌ای است؛ اما برخی معلمان آن را با سختگیری اشتباه می‌گیرند. سختگیری در آزمون‌ها، قوانین کلاس، تکالیف و... موجب دلزدگی دانش‌آموزان به ویژه در میان کودکان

می‌گردد و آنان را از درس‌گریزان می‌کند. در نقطه مقابل، سهل‌گیری مفرط نیز، ارزش معلم و درس را در نگاه دانش‌آموز پایین می‌آورد و باعث بی‌انگیزگی او می‌شود. در این خصوص پیامبر اسلام (ص) می‌فرماید: «عَلِّمُوا وِیَسْرًا، و لَا تَعْسَرُوا...؛ تعلیم دهید و سهل‌گیرید و سخت‌مگیرید...» (پاینده، ۱۳۸۳، ص ۵۶۸).

- عدالت در توجه به شاگردان: شاگردان از تیپ‌های ظاهری و شخصیتی متفاوت، فرهنگ‌ها و زیست‌بوم‌های مختلف، علائق و سلیق گوناگون، شرایط و احوالات متغیر، استعدادها، توانمندی‌های متفاوت و... برخوردارند. گاه ممکن است عدم شناخت کافی معلم یا عدم حساسیت وی به این مسئله، بر نوع توجه او به دانش‌آموزان تأثیر گذارد و منشأ بی‌عدالتی و رفتارهای تبعیض‌آمیز شود. بر این اساس لازم است:

طرز توجه و نگاه معلم به شاگردان حساب شده باشد؛ در جایی بنشیند که چهره او برای همگان قابل مشاهده باشد و نگاه خود را عادلانه میان همه شاگردان توزیع کند؛ زیرا نگاه عادلانه باعث برقراری ارتباط بیشتر با شاگردان و کاهش رفتارهای ناهنجار شده و در تمرکز حواس آنها نیز مؤثر است. البته جنبه الگویی معلم در نگاه دانش‌آموز از جهت رعایت عدالت یا وقوع تبعیض از همه مهم‌تر است.

- دانش‌آموزان را به‌طور ناعادلانه و براساس نژاد، رنگ، جنسیت، ملیت، وضعیت تأهل، عقاید سیاسی، دینی و مذهبی، زمینه خانوادگی، اجتماعی یا فرهنگی، از شرکت در برنامه‌ای حذف نکند، یا از منافع یا مزایایی محروم نکند و در توزیع توجه نسبت به آنان، تبعیض نرزد.

- در برقراری ارتباط با دانش‌آموزان، توجه و محبت به آنها، وقت‌گذاری و پاسخ‌دهی، مشاوره دادن و حتی در مجازات ایشان عدالت پیشه کند.

- با توجه به اینکه دانش‌آموزان طبیعتاً در میزان ادب، جذابیت، استعداد، سخت‌کوشی و... با هم متفاوتند و این تفاوت‌ها طبعاً در نگرش و گرایش معلم تأثیرگذار است؛ نباید اجازه دهد که این گرایش قلبی، منجر به بروز تبعیض در رفتارها و برخوردها شود.

- معلم باید مراقبت کند که مبدا دانش‌آموزانی که دچار کم‌رویی و ارتباطات ضعیف اجتماعی یا روحیه درون‌گرایی بالا هستند، از دامنه توجه او حذف شوند.

- عدالت در دلسوزی، ترحم و محبت، عدالت در احوال‌پرسی، عدالت در توجه به تفاوت‌های فردی و بها دادن به تلاش‌های فردی و گروهی، عدالت در تشویق و تقویت تلاش‌ها و رفتارهای مطلوب شاگردان و عدالت در تنبیه (غیربدنی)، باید کاملاً مراعات گردد. تأکید می‌شود که مبدا به بهانه عدالت‌ورزی، تلاش‌های دانش‌آموزان کوشاتر و بافضیلت‌تر از قدردانی ویژه معلم، مورد کم‌توجهی قرار گیرد؛ بلکه تقدیر بیشتر از دانش‌آموزان کوشاتر، عین عدالت است.

- عدالت در به خاطر سپاری اسامی و مشخصات شاگردان و نیز عدالت در صدا زدن آنان بسیار اهمیت دارد؛ مثلاً اگر برای یک نفر از عبارت آقا یا خانم استفاده می‌کند، برای بقیه هم همین‌گونه عمل کند.

- عدالت در واگذاری مسئولیت‌های کلاس؛ البته با توجه به توانمندی‌های افراد مورد تأکید است.

- عدالت در استفاده از فرصت‌های آموزشی: مدیریت زمان کلاسی و جلوگیری از اتلاف وقت، از وظائف یک معلم حرفه‌ای و اخلاقی است. وقتی که از اتلاف وقت سخن می‌رود، مراد، مصروف داشتن همه زمان کلاس به تدریس و فعالیت مستقیم آموزشی نیست؛ بلکه هر آنچه در نقشه و طرح استاندارد آموزشی یک معلم دیده می‌شود، باید مورد اجرای عادلانه قرار گیرد. بر این اساس، دقایقی که معلم استراحت کلاسی می‌دهد، زمانی که فارغ از موضوع درس به گفتگوهای مفید کلاسی می‌گذرانند، لحظاتی که به تماشای فیلم یا کلیپ غیر درسی اختصاص دارد، همه می‌تواند در دایره مدیریت زمان معلم تعریف شود. نکته مهم در این میان، توجه به عنصر «بهره‌وری آموزشی» از یک سو و «حقوق دانش‌آموزان» از سوی دیگر است. یکی از مهم‌ترین حقوق دانش‌آموزان، زمان و فرصت تحصیل آنان است.

آمادگی معلم برای حضور در کلاس، افزایش کیفیت یادگیری در کلاس، نشاط‌انگیز بودن و جذب دانش‌آموزان به کلاس درس و مدیریت زمان، همگی بیانگر عدالت آموزشی هستند. به طوری که هر لحظه کلاس واقعاً جنبه درس‌آموزی داشته باشد. این نکته به بدان معنا نیست که معلم نباید لحظه‌ای آرام بگیرد؛ بلکه به معنای این است که فرایند آموزش، اعم از فضا سازی کلاس، تدریس، ارزشیابی و... همگی در راستای عدالت طراحی و اجرا گردند.

۳-۱-۲-۳. عدالت در سایر موقعیت‌های کلاسی

- معلم باید با حفظ وقار و متانت خود در کلاس و مدرسه، رفتار خود را به گونه‌ای تنظیم کند که باعث مخدوش شدن عزت او نگردد؛ برای نمونه، خنده و شوخی او در حد اعتدال باشد.

- معلم باید انرژی خود را عادلانه برای همه کلاس‌های یک روز تقسیم کند؛ اجرای کلاس اول صبح با کیفیت و انرژی تمام و گذراندن اوقات کلاس آخر با بی‌حالی و خستگی مفرط، عادلانه نیست. هر چند که برخی از معلمان، برای آنکه روزهای بیشتری از هفته را در اختیار خود باشند، کلاس‌ها را در روزهای اندک چنان متراکم می‌چینند که خواسته یا ناخواسته به بی‌عدالتی آموزشی می‌انجامد.

- اعتدال معلم در میزان ایستادن، راه رفتن و نشستن معلم، هم بر فرایند مدیریت و تدریس کلاس و هم بر سلامت جسمی معلم تأثیر می‌گذارد. بسیاری از مراجعان پزشکان ارتوپد، معلمانی هستند که از دردهای مفصلی زودرس شکایت دارند؛ در حالی که با مراعات این اصل و توصیه‌های دیگر، می‌توان زمان، سطح و کیفیت آن را کاهش داد.

۳-۱-۲-۴. عدالت در روابط بین همکاران

اگرچه صمیمی بودن معلم با برخی از همکاران کاملاً طبیعی است؛ ولی این امر نباید باعث کم توجهی و بی تفاوتی نسبت به همکاران دیگر شود. این مسئله نسبت به همکارانی که دروس به ظاهر ساده‌تر را تدریس می‌کنند، یا نسبت به همکاران تازه‌کار، شایع است. بنابراین، شایسته است که معلمان در فضایی صمیمی و با مراعات «عدالت رفتاری»، نیازهای روحی و عاطفی یکدیگر را تأمین کنند و باعث حضوری لذت بخش در مدرسه شوند. این مسئله قطعاً در نشاط شغلی هم بسیار مؤثر است.

۳-۱-۲-۵. عدالت در رابطه با والدین

والدین دانش‌آموزان از سطوح مالی، موقعیتی و شخصیتی متفاوتی برخوردارند. این تفاوت‌ها ممکن است خودآگاه یا ناخودآگاه، به تفاوت برخورد معلم با آنان منجر شود. مشاهده این تبعیض از سوی والدین و دانش‌آموزان، اعتبار حرفه‌ای معلم را مخدوش می‌کند و محبوبیت وی را کاهش می‌دهد. دانش‌آموزی که شاهد این تبعیض بوده است، هرگز ارتباط خوبی را با معلم برقرار نخواهد کرد و نقش الگویی معلم هم خنثی خواهد شد. علاوه بر این، بر فرایند توجه و یادگیری درسی وی هم تأثیرگذار خواهد بود.

۳-۱-۳. عدالت سازمانی

مدرسه به عنوان یک سازمان آموزشی باید «عدالت محور» باشد. «عدالت سازمانی» فراتر از عدالت‌ورزی اعضای آن، شامل «جوّ کلی سازمان» و «ساختار حاکم» بر آن است که در آئین‌نامه‌ها و قوانین، تصمیم‌گیری‌ها و اجرای تصمیمات، پیگیری‌ها، برخوردها و ... انعکاس می‌یابد و مدیر مدرسه در آن نقش محوری دارد.

برخی از موقعیت‌های کاربردی عدالت سازمانی به شرح زیر است:

- مدیر در مسئولیت سپاری، جانب اعتدال را رعایت کند و کارکنان را دچار مشقت‌های طاقت‌فرسا نکند. فعالیت‌های معلمان و کارکنان به گونه‌ای برنامه‌ریزی شود که ایشان فرصت کافی برای استراحت، رسیدگی به امور شخصی و امور خانواده، پرداختن به امور معنوی و عبادی و نظایر این‌ها را داشته باشند و بتوانند با روحیه‌ای با نشاط در مدرسه حاضر شوند.

- اگر حقوقی از اعضاء، اعم از معلمان، کارکنان، والدین، دانش‌آموزان و دیگر صاحبان حق نظیر همسایگان ضایع شد، در استیفای آن تلاش کند.

- نظم و برنامه متعادل و خردمندانه بر سازمان حاکم باشد.

- در به کارگیری معلمان، توزیع مسئولیت‌ها، توزیع امکانات و فرصت‌ها، مرخصی‌ها، در ارائه

اطلاعات راهبردی و مهم، در اجرای مقررات، در تشویق‌ها، تنبیه‌ها و حتی در برخوردهای روزمره با معلمان، عادلانه رفتار شود و از جانب‌داری و تبعیض پرهیز شود و از هرگونه نورچشمی‌پروراندن که سبب احساس تبعیض می‌شود، به شدت خودداری کند.

- رفتار اخلاقی مدرسه با دانش‌آموزان در اموری همچون، کلاس‌بندی دانش‌آموزان، توزیع امکانات آموزشی، توزیع معلمان توانمندتر و موفق‌تر، اجرای قوانین و مقررات عادلانه عمل کند.

- از برخوردهای متناقض، انتصابات سوگیرانه و تنظیم امور و تصمیمات براساس روابط و علائق اجتناب شود. بدیهی است در دسترس بودن معیارهای صریح، شفاف و با ثبات در ارزیابی‌ها، می‌تواند به این امر کمک کند؛ اما در عین حال، گرایش عمیق، قلبی و عزم راسخ برای برپایی عدالت، برای پایبندی به این معیارها ضروری است.

- مدرسه در جبهه‌بندی‌های سیاسی، موضع منصفانه‌ای داشته باشد و جناح‌بندی‌ها را ملاک قضاوت و شایستگی قرار ندهد و در برخورد با کارکنان هم جناح و غیر هم جناح، جانب عدل و انصاف را نگه دارد. عدالت جنسیتی در برخورد با والدین و همکاران و دانش‌آموزان باید مدنظر مدیر و برنامه‌های وی قرار گیرد. برخوردهای خاص و حساسیت‌برانگیز و تبعیض‌آلود در این حوزه، علاوه بر مخدوش کردن چهره حرفه‌ای و مدیریتی مدرسه، چهره اخلاقی آن را نیز لکه‌دار می‌کند.

۴. نتیجه‌گیری

شکل‌گیری نظام آموزشی اخلاق مدار، در گروی اخلاق‌مداری مؤلفه‌های مهم و تأثیرگذار آن است. معلم، دانش‌آموز، مدرسه، قوانین، بخشنامه‌ها، رده‌های مختلف مدیریتی و...، از جمله عناصر نظام آموزشی است. در این میان مدرسه و شخص معلم، به عنوان عنصر مهم تأثیرگذار نقش بسیار مهمی در اخلاقی شدن نظام آموزشی از یک‌سو و فرهنگ جامعه از سوی دیگر دارند. معلم در مدرسه روابط گوناگونی را تجربه می‌کند، رابطه با خود، رابطه با دانش‌آموزان، رابطه با همکاران، رابطه با والدین و...، از جمله روابطی است که باید منطبق بر اخلاق‌مداری باشد. از سوی دیگر، معلم موقعیت‌های آموزشی بسیار متنوعی را در کلاس سپری می‌کند؛ از مهم‌ترین آنها، موقعیت‌های مرتبط با تدریس و ارزشیابی، موقعیت‌های مرتبط با مدیریت کلاس است. این دو موقعیت خود دارای فعالیت‌ها و فرصت‌های متعددی است که عرصه کنش و واکنش معلم را فراهم می‌نماید. یک معلم اخلاق مدار تلاش می‌کند در تمام موقعیت‌ها و فرصت‌های آموزشی و تربیتی، کنش‌های اخلاق‌مدارانه داشته باشد تا معلم اثربخش، کلاس اثربخش و مدرسه اثربخش تحقق یابد. یکی از مهم‌ترین اوصاف اخلاقی، عدالت‌محوری و عدالت‌گستری معلم است. پژوهش حاضر با تحلیل رابطه عدالت‌محوری معلم با موقعیت‌های کلاس درس و مدرسه،

طیف وسیعی از رفتارهای عدالت‌جویانه معلم را گزارش کرده و به عنوان راهنمای عملی، فراروی معلمان قرار گرفته است تا با در نظر گرفتن این ظرافت‌های رفتاری، کلاس اخلاق‌مدارانه هرچه بهتری وجود داشته باشند. عدالت در کمیت، کیفیت و سطح تدریس، عدالت در مواجهه با سؤالات دانش‌آموزان، عدالت در ارزشیابی و تصحیح اوراق، عدالت در نگاه و توجه معلم، عدالت در ارتباط با همکاران و والدین، عدالت در استفاده از فرصت‌های آموزشی و عدالت سازمانی، از جمله موقعیت‌های مهمی است که مصادیق و نمونه‌های آن طرح و تبیین شده است. با توجه به این طیف وسیع از کاربریست عدالت، به نظر می‌رسد که «عدالت محوری»، فراگیرترین صفت اخلاقی در کنش‌ها و واکنش‌های معلم در مدرسه و کلاس درس است، که باید به طور جدی مورد توجه آموزش‌گران اخلاق حرفه‌ای و معلمان قرار گیرد.

— منابع —

قرآن کریم.

نهج البلاغه.

- ابن ابی جمهور (۱۴۰۳ق). *عوالی اللئالی العزیزیه فی الاحادیث الدینیة*. قم: سید الشهداء، ج ۴.
- اسلامی هرنندی؛ فاطمه؛ کریمی، فریبا؛ نادى، محمدعلی (۱۳۹۷). طراحی مدل عدالت آموزشی جهت نظام آموزش و پرورش رسمی و عمومی و اعتباریابی آن. *مسائل کاربردی تعلیم و تربیت اسلامی*، ۳(۳)، ص ۸-۲۸.
- یوسفوند، مهدی؛ صرامی، غلامرضا؛ کدیور، پروین؛ عشرتی فر، عدنان (۱۳۹۳). تاثیر بازخورد معلم (نوشتاری و کلامی) در ارزشیابی های تکوینی بر خودکارآمدی و میزان استفاده از راهبردهای یادگیری خودتنظیم دانش آموزان دوره راهنمایی. *اندیشه های نوین دینی*، ۱۰(۱)، ص ۴۹-۷۲.
- بارزلو، صفرعلی (۱۳۹۹). معلم؛ محور عدالت آموزشی. *رشد معلم*، شماره ۶، ص ۸-۱۱.
- پاینده، ابوالقاسم (۱۳۸۳). *نهج الفصاحه*. قم: انصاریان.
- حکیمی، محمدرضا؛ حکیمی، محمدعلی (۱۳۸۹). *الحیاه*. قم: دلیل ما.
- طباطبایی، محمدحسین (۱۴۱۷ق). *المیزان فی تفسیر القرآن*. قم: دفتر انتشارات اسلامی، ج ۱.
- طریحی، فخرالدین (۱۳۷۵). *مجمع البحرین*. تهران: مزنوی، ج ۲.
- قراملکی، احد فرامرزی؛ برخوردار، زینت؛ موحدی، فائزه (۱۳۹۷). *اخلاق حرفه ای در مدرسه*. تهران: انتشارات موسسه خیریه آموزشی فرهنگی شهید مهدوی.
- محمدی، مجید؛ حسینی صدر، سید محمدجواد (۱۳۹۸). ارائه مدل عدالت آموزشی در سازمان آموزش و پرورش. *پژوهش های جدید در مدیریت و حسابداری*، شماره ۲۹، ص ۱۰۱-۱۱۶.
- مرادی، مسلم؛ امینی، سمانه (۱۴۰۲). عدالت آموزشی در نظام آموزشی. *رشد مدیریت مدرسه*، شماره ۱۳۹، ص ۴۴-۴۵.
- مولوی، جلال الدین محمد (۱۳۷۷). *مثنوی معنوی*. به کوشش و اهتمام ریولد الین نیکولسون. تهران: بهزاد.
- وجدانی، فاطمه (۱۴۰۰). *اخلاق حرفه ای در تربیت*. تهران: قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه؛ دانشگاه فرهنگیان.
- ولی نژاد، مهدی (۱۳۹۷). تبعیض بین دانش آموزان: پدیدارشناسی تجربه دانش آموزان محروم از عدالت. *رشد آموزش علوم اجتماعی*، شماره ۷۷، ص ۲۹-۳۴.